

میدون و سوفیا

چه زنی خوب است؟



پوریا عالمی

سوفیا عشق من من اول خیلی خوشحال بودم که مردها عاشق زن‌ها می‌شوند؛ اما از وقتی تلویزیون را نگاه می‌کنم، متوجه شدم زن‌ها خیلی هم به درد عاشقیت نمی‌خورند و فقط باید رخت و لباس بشورند و توی آشپزخانه باشند.

در همین راستا من خلاصه برنامه‌های چند ماه گذشته تلویزیون را در قالب یک قطعه عاشقانه بی‌نظیر و درجه یک و نایس، برایت سرودهام که تقدیم تو و باقی زنانی که تلویزیون نگاه می‌کنند، می‌کنم.

این زنت را طلاق بده. آن یکی را اذیت کن. قبلیش یکی سرش بیاور. بعد پشت آن یکی را خالی کن. زیر پای این یکی را هم خالی کن. حتی چهارپایه نباش که ازت بالا می‌روند، چهارپایه‌ای باش که از زیر پات می‌کشند. همه اینها خیلی خوب است. تلویزیون نشانت می‌دهد. فقط عضو شیردهی گرک نباش که خیلی بد است و سانسور می‌شوی.

بگو باید پای مرد را ببوسی. اجازه بدهی بهت توهین کند. حتی اگر صلاح دانست کتک نرمی هم بزند. همه اینها خیلی خوب است. تلویزیون هم نشانت می‌دهد. فقط زنی نباش که مدال می‌آورد که خیلی بد است و سانسور می‌شوی.

شوخی‌های مسخره و خنک کن. هی این شماره را به آن شماره اس‌ام‌اس کن. صد تومان صد تومان فربه‌تر کن برنامه‌های تلویزیونی را. سر مردم را گرم کن به چند تا جمله کتک که نه سیخ بسوزد نه کباب. تا ناف برنامه‌ات را تبلیغ بگیر و جای مردم را تنگ کن. همه اینها خیلی خوب است. تلویزیون هم نشانت می‌دهد. فقط همان یک جمله را هم نگو که زن می‌تواند برود ورزشگاه مثل هر جای دیگر. که خیلی بد است و سانسور می‌شوی.

ای جان ای جان ای جان... ای دلاورانی که با تلویزیون کاری کردید که ... مراقب سلامتی خود باشید. ممنون.

کنته

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران:

در تدوین ضوابط طرح ترافیک خبرنگاران نقشی نداشتیم

● با توجه به پرسش‌های مکرر همکاران از انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران درباره چگونگی احراز اشتغال به روزنامه‌نگاری برای دریافت آرم طرح ترافیک و شبیهات فراوان در این زمینه، موضوع پاسخ‌گویی به این شهادت در نخستین جلسه سال جاری انجمن بررسی شد که نتیجه آن بدین شرح اعلام می‌شود:

اگرچه معاونت محترم حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران از ابتدا با نمایندگان واقعی روزنامه‌نگاران دراین‌باره مشورت نکرد، اما پس از تصویب شرایط و ضوابط پیشنهادی آن معاونت در شورای شهر تهران و افزایش غیرقابل‌قبول هزینه اعلام‌شده، این انجمن به دعوت معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران برای تدوین ضوابط شمول سهمیه و نحوه توزیع و تخصیص آن با حسن نظر نگریسته و در جلسات کارگروه تشکیل شده شرکت کرد و طرحی نیز به‌همراه داشت که در صورت توجه به آن همه خبرنگاران با همین ضوابط و شرایط کنونی و همین مقدار



سهمیه می‌توانستند به نحو مناسب از طرح ترافیک بهره‌مند شوند که متأسفانه مورد توجه واقع نشد.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران به دلیل بی‌توجهی برگزارکنندگان جلسه به نقش نهادهای صنفی و از جمله انجمن و نیز برخی برخورد‌های غیرحرفه‌ای و درک نمایشی و غیرمؤثرنبودن حضور خود، بنا به تصمیم هیئت‌مدیره از ادامه شرکت در آن منصرف شد و طبیعتاً در تدوین شرایط و ضوابط اعلام‌شده نقشی ندارد. البته این به معنای پذیرش یا سکوت درباره تصمیم‌های اعلام‌شده نیست و در موارد لازم مواضع خود را اعلام خواهد کرد.

به باور ما، تنها مرجع صالح برای احراز عنوان روزنامه‌نگار و خبرنگار، انجمن‌های صنفی و نهادهای غیردولتی هستند و نهادهای دولتی و حکومتی بنا به قاعده و قانون و صلاح عمومی، لازم است مسئولیت کامل این کار را به نهادهای غیردولتی و صنفی واگذار کنند.

شتر روزنامه

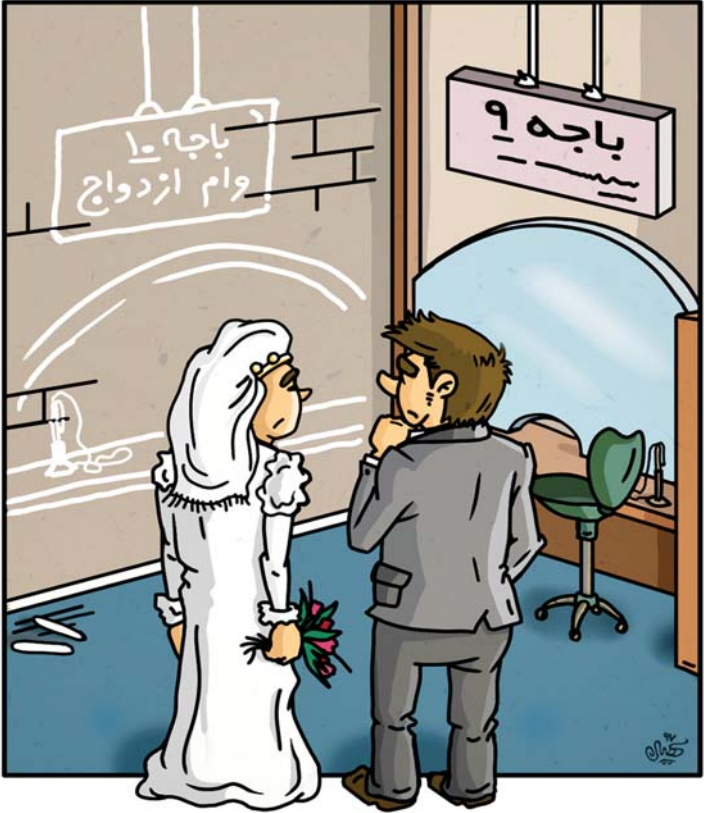
دوشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۹۷ • ۲۲ رجب ۱۴۳۹ • ۹ آوریل ۲۰۱۸ • سال یازدهم • شماره ۳۱۱۹ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۱۹:۵۱ • اذان صبح فردا ۵:۱۲ • طلوع آفتاب ۶:۳۹

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

سهیل محمدی

بانک ها رغبتی به پرداخت وام ۱۵ میلیونی ازدواج نشان نمی دهند...



تجربه دیگران

شهر دارها معمولاً استعفا می‌دهند!



ساسان گلفر

مدتی است بحث استعفای شهردار تهران و پذیرش یا عدم پذیرش آن بالا گرفته است و همه رسانه‌ها درباره درست‌بودن یا غلط‌بودن آن می‌نویسند یا اینکه اصلاً علت این استعفا چه بوده و آیا بیماری سبب آن شده است. به‌رحال مسئله مدیریت شهر بزرگ و بی‌دروغی‌گری مثل تهران مسئله مهمی است؛ ولی وقتی به اخبار رجوع می‌کنیم، متوجه می‌شویم که موضوع استعفا شهردارها آن‌قدرها هم پدیده نادری نیست و شاید ما چون به دوره‌های طولانی‌مدت شهرداری عادت کرده‌ایم، حالا داریم تعجب می‌کنیم. فقط مروری بر اخبار همین دو، سه ماه اخیر نشان می‌دهد ده‌ها شهردار در ایالات مختلف آمریکا، در انگلستان و کشورهای دیگر غریبه به دلایل متعدد استعفا داده‌اند. چند نمونه از موارد استعفای شهرداران، اغلب در آمریکا و یک مورد در هلند، در پنج سال اخیر را مرور می‌کنیم.

- کوین جانسون، ستاره سابق NBA که از سال ۲۰۰۸ در سمت شهردار ساکرامنتو، کالیفرنیا برگزیده شده و با توجه به موقعیت ستاره‌ای خیلی محبوب بود، در سال ۲۰۱۵ با اتهام سوء‌رفتار جنسی با زنی در گذشته و پیش از شهردارشدن مواجه شد و در دسامبر ۲۰۱۶ استعفا داد.

- باب فیلتر، شهردار سابق سن‌دیوگو کالیفرنیا در سال ۲۰۱۳ پس از طرح اتهامات عجیب و غریبی از سوی کارکنان زن شهرداری استعفا داد. - دن مک‌کوینسن که در شهر ساحلی کورویس‌کریستی تکراس در سال ۲۰۱۶ فقط به مدت یک ماه شهردار بود، به علت آنکه در اولین هفته شهردارشدنش، یک نشست شیمیایی در مخزن اصلی آب شهر امکان استفاده از آب شیرین در شهر را از بین برد، ناچار به استعفا شد.

- اسکات سیلورترون، شهردار فیرفاکس ویرجینیا، بعد از افشای ارتباط با فروشندگان مواد روان‌گردان متماقتمین در ماه اگوست ۲۰۱۶ وادار به استعفا شد. او در سال ۲۰۱۲ این سمت را پذیرفته بود. - دن کلونجی، شهردار ماریونویل میسوری، پس از آنکه فریزری گلن میلر، رهبر کوکلوکس‌کلن (نژادپرستان سفیدپوست)، در ماه آوریل ۲۰۱۴ به قتل سه نفر متهم شد، حرف‌های نژادپرستانه به طرفداری از او ز و بلافاصله وادار شد استعفا دهد. - دنیس کینیر، شهردار سابق سن‌مارینو کالیفرنیا، در ماه جولای ۲۰۱۴ به علت اینکه از او در حال ریختن



بابک زمانی
رئیس انجمن سکنه مغزی

امسال وقتی همه از تعطیلات بازگشتند چارچوب‌هایی که دنیای ما را تعریف می‌کرد با دو مرگ اندکی تغییر کرده بود: ۱- استیفن هاوکینگ یکی از اضلاع مهم جهانی بود که از چند دهه پیش با آن خو گرفته بودیم. او خود مرگ بود؛ هاوکینگ با چشمانی به رنگ آسمانی روشن، با تنی پیچ‌خورده، نشسته بر یک صندلی چرخ‌دار با نیشخندی که دانایی و اعجاب آن را تنها در مرگ می‌توان سراغ گرفت در ما می‌نگریست. او خود مرگ بود؛ یعنی با تمام پیشرفت‌های تکنولوژی همچنان «ای‌ال‌اس» و ده‌ها بیماری ناتوان‌کننده دیگر هم هستند که می‌توانند ما را از بین‌بازند؛ یعنی تکنولوژی پزشکی تا به آنجا پیشرفت کرده که می‌تواند مغزی را که می‌اندیشد و عمیق می‌اندیشد، ده‌ها سال روی تنی که تبدیل به بار گرانی شده است، زنده و سالم نگه دارد. از یک سو «ای‌ال‌اس»

سلام به فردا

مجازات نیم میلیون پوندی دولت در بریتانیا و روزگار ما!



محمد درویش

پنجشنبه گذشته روزنامه گاردین چاپ لندن خبر تأمل‌برانگیزی را منتشر کرد؛ اینکه دولت بریتانیا در طول ۱۲ ماهه گذشته مجبور به پرداخت هزینه‌ای بالغ بر نیم میلیون پوند در جریان شکایت کنشگران محیط‌زیستی به دادگاه شده است. در حقیقت، دادگاه عالی انگلستان دولت متبوع خویش را به دلیل کوتاهی در مبارزه با آلودگی هوا، مقصر شناخته و مجبور به پرداخت خسارت به شهروندانی شده که از آلودگی هوا آسیب دیده‌اند. این رخداد در آن سوی آب نه‌تنها نشان می‌دهد تا چه اندازه محکومیت دولت در دادگاه، علاوه بر مرگ زودرس ۴۰ هزار نفر در سال، برای مالیات‌دهندگان بریتانیایی خرج دارد؛ بلکه ثابت می‌کند در این سوی آب، دستگاه‌های متولی تا چه اندازه نسبت به بی‌عملی و سوءمدیریت دولت‌ها در مواجهه با بحران آلودگی هوا، منفعل و خنثی عمل کرده است. این بی‌عملی زمانی تأسف بیشتری را برمی‌انگیزد که مقام معظم رهبری تاکنون بارها بر جرم‌نگاری محیط‌زیستی تأکید داشته و در منشور ۱۵ ماده‌ای خویش که در آستانه روزنامه ششم توسعه، ابلاغ فرمودند، به‌صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. شاید اگر تکلیف تبصره ۳ ماده ۶۶ آیین دادرسی زودتر مشخص شده و از حالت فانتزی کنونی خارج می‌شد؛ یعنی عملاً شکل‌های مردم‌نهاد می‌توانستند علیه مخربان محیط زیست اعلام جرم کرده و پیگیری کنند، امروز لازم نبود تا شصت‌ویک‌ساله‌شدن تداوم بحران آلودگی هوا و ترافیک را در تهران به نظاره بنشینیم، آه بکشیم و افسوس بخوریم. همین و تمام.

آکادمی

نوروز، مرگ و زندگی

در این گفت‌وگو هربار بیراهه‌ای ما را با خود می‌برد؛ یک روز تمام فرهنگ کهن خود را وانهاده و دانشگاهمان را کیلومترها دور از حوزه بنا می‌کردیم و در دور بعد می‌کوشیدیم از اساس منکر دومی شویم. یک روز شیفته خوش‌بینی عقل‌گرایانه، این‌دنیایی و به‌شدت یوتویایی چپ می‌شدیم و برای آن جان می‌دادیم و روز دیگر از هرچه واقعیت این‌دنیایی است رخ برمی‌تافتیم و دولت خود بر آن عالم بنا می‌کردیم. داریوش شایگان داشت به ما نشان می‌داد که می‌توان هم مدرن بود و هم شرقی. یاد می‌داد که می‌توان با تعمقی معنوی به دنیا نگریست، زندگی را بر پایه‌های عقل بنا کرد و همچنان خوش‌بین بود. داریوش شایگان تنها زندگی بود و از زندگی می‌گفت. مرگ در خیال او جایی نداشت. بیرانه‌سر با فکری جوان، فکتمان آینده ما بود. آن‌قدر نوشته دارد که عبور آنرا از هاضمه فرهنگی ما، سال‌ها طول می‌کشد.

اگر هاوکینگ چیزی برای گفتن باقی نگذاشت، اما گویی جامعه ما شایگان را تازه‌تازه دارد کشف می‌کند. بیهوده نیست که بعد از مرگش، کتاب‌هایش در کتاب‌فروشی‌های پایتخت یافت نمی‌شود!

یادداشت

۷ سال را باور کنیم یا ۷ ساعت

مورد بود: یک نسل جوان با خود فکر می‌کند که چطور می‌شود برای بازی‌های سیاسی (از طرف هر جناحی می‌خواهد باشد) اداره یک شهر ۱۴میلیون‌نفری ماه‌ها روی هوا باشد و شهروندان حاج‌وواج به مدیریت ما می‌نگرند که چطور می‌خواهیم با این نحوه مدیریت خود را الگو معرفی کنیم؛ آن هم الگوی یک تمدن اسلامی...

و مورد دوم در رابطه با جناب نجفی و استعفايش است:

بزرگوار امثال اینجانب که مثل جناب‌عالی تجربه مدیریتی کلان نداریم، می‌دانیم که ورود به حوزه مدیریت کلان‌شهر تهران بدتر از میدان‌های مین است و هر لحظه امکان منفجرشدن مینی را باید داشته باشید؛ پس یا حواستان به مین‌پاک‌کن‌ها باشد که مین‌ها را به‌موقع خنثی کنند یا اینکه اصلاً نباید وارد میدان مین می‌شدید که وقت و اعتماد میلیون‌ها نفر را ضایع فرمایید؛ پس توصیه برادرانه می‌کنم حال که وارد میدان مینی به نام شهرداری تهران



شده‌اید، سرفرازانه بایستید و ضمن خنثی کردن مین‌های کار گذاشته‌شده برای «نشدن» تهرانی آباد، یک بار هم که شده به قول خودتان در زمان انتخابات وفادار باشید که برای آبادانی کشور باید از خود گذشت تا بتوانیم این سرزمین را بسازیم وگرنه همه مدیران هم بیماری دارند «موقعش که شود» و هم درد «استعفا» می‌گیرند به‌موقع ایستادن، پس بایستید و وقت و زمان مردم را هدر ندهید لطفا!

پرنده آبی

غم دلار ما را کشت

۶- پیش‌فروش سکه برای آخر تیر حتی روی دومیلیون و ۵۰ بود که ساعت ۱۰ صبح ایسا خبرش را منتشر کرد؛ یعنی قیمت بازار آن پاید بالاتر برو. ۷- نگرانی وجود دارد که کم‌آبی، وضعیت کشاورزان و... مالیات، ارزش‌افزوده و... اختلافاتی را به وجود بیاورد. ۸- ارز دانشجویی دولتی هم حذف شد، قرار است ارز را هم تکرخی کنند که مشکلات خاص خودش را خواهد داشت. ۹- ترس و ناامیدی نسبت به آینده در اکثر اظهارنظرها موج می‌زند. ۱۰- سؤال‌های بسیاری درباره سکوت مسئولان مطرح شده است.



می‌توان در این جملات دسته‌بندی کرد: ۱- دولت پول ندارد، اما چرا پول ندارد؟ هم به دلیل بحث تحریم‌هاست و هم عدم دریافت بدهی‌ها از کشورهای چین و هند و آفریقای جنوبی و... ۲- دولت خودش گران کرده تا کسری بودجه را درست کند (این موضوع بارها تکذیب شده است اما مردم باور نمی‌کنند). ۳- شایعه‌ای که بعداً یکی از سیاست‌مداران هم تکرار کرد و از خروج ۲۸میلیارد دلار یا بیشتر پول حکایت می‌کرد. ۴- خروج آمریکا از برجام و امکان تحریم دوباره نفتی. ۵- رسیدن قیمت دلار به هفت‌هزارتومان که پیش‌تر نیز در نظرسنجی دنیای اقتصاد از اقتصاددانان شده بود.

دور دنیا

سال‌ها تجربه فرماندهی در عراق و افغانستان را دارد، «پیروزی در آن بخش از جهان مفهوم فریبنده‌ای دارد. هرکسی که انتظار پیروزی قاطع را دارد، دلسرد خواهد شد». تنش زمانی بالا گرفت که ترامپ درخواست کرد واحدهای پهپاد در مدت ۱۰ روز کار را تمام کنند و مسئول این واحد گفت که برای کاستن از تلفات غیرنظامیان باید با احتیاط عمل کرد و ترامپ او را به مهلت‌دادن به تروریست‌ها برای قرار متهم کرد.

تعاریف متفاوتی است که سیاست‌مدار تاریخچیه‌ای مانند ترامپ و نظامیان از مفهوم «پیروزی» دارند. در حالی که ترامپ نابودی قاطع و بی‌رحمانه دشمنان آمریکا و عناصر داعش در سوریه را تنها عامل پیروزی می‌داند و معتقد است پس از آن باید از آن مکان بیرون آمد و هزینه بیشتری متحمل نشد. تجربه ۱۷ سال گذشته نظامیان آمریکایی از جمله در عراق و افغانستان حکایت از مسائل دیگری دارد. به گفته ژنرال شان مک‌فارلند که

درگیری لفظی ترامپ وژنرال‌ها در اتاق جنگ واشنگتن‌پست از بروز تنش و درگیری لفظی هفته پیش میان دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا و چند نفر از فرماندهان نظامی در اتاق جنگ کاخ سفید بر سر جنگ سوریه خبر داد. اعلام اخیر دونالد ترامپ مبنی بر اینکه او «بسیار زود» نیروهای خود را از سوریه خارج خواهد کرد، به یک عامل مهم تنش میان رئیس‌جمهور و ژنرال‌هایش بدل شده است. در واقع منشا اختلاف نظر،